



طبیعت و تأثیر آن بر روی جواهر

ساناز ارمغان

کارشناسی ارشد طراحی لباس، آکادمی هنرهای زیبای بررا، میلان، ایتالیا

چکیده

عشق ورزیدن به طبیعت یکی از مسائلی است که طرفداران زیاد را به خود اختصاص داده است. در میان شلوغی زندگی مدرن، ندای آرام طبیعت، که بازتاب داستان های ناگفته جواهرات پنهان زمین است، اغلب شنیده نمی شود. برای دوستداران طبیعت، تلاش برای ایجاد ارتباط عمیق تر با زمین، لمس و احساس جواهر آن، اغلب توسط محدودیت های وجود شهری مانع می شود. تاریخ استفاده از زیورها و گوهرها، به اندازه تاریخ پیدایش آدمیان در پهنه گیتی، کهن و طولانی است. آدمیان نخستین، هنگامی که از زیورها و سنگ های رنگین استفاده می کردند، هیچ گاه در این اندیشه نبودند که ظاهر خود را با آنها آراسته، بر زیبایی خود بیفزایند، چراکه آنان به اشیا و مواد گوناگونی که می شناختند، از نظر سودمند بودن و ارزش های مادی و واقعی شان می نگریستند. از این رو در این مقاله نیز سعی بر این است تا طبیعت و تأثیر آن بر روی جواهر مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان: جواهر، طلا، طبیعت.

۱- مقدمه

جواهرات این قابلیت را در خود دارند تا به عنوان یکی از کلیدهای درک بهتر یک عصر و دوره از تاریخ مطرح باشند، زیرا جواهرات و زیورآلات با یک لحظه تاریخی و هنری خاص مرتبط هستند. جواهرات در واقع عمر کوتاهی دارند و زودگذر بودن عمر آنها دقیقاً از ارزش ذاتی ناشی از بازار طلا، الماس و سنگ های قیمتی موجود در آنها ناشی می شود. اگر تاریخ جواهرات را ورق بزنیم متوجه می شویم یک پروسه همواره تکرار شده و آن اینکه در تمام دوره های تاریخی جواهرات همیشه برچیده شده و دوباره سرهم شده، فروخته شده و دوباره خریداری شده، دزدیده شده و به رهن گذاشته شده، گم شده و فراموش شده اند. در طول تاریخ جواهرات همواره نشان دهنده شکوه پادشاهی، عامل بروز جنگ های مالی، عامل فساد مردمان و ابزار آرایش بانوان بوده است (Eichhorn Johanssen & Rasche, 2015). یکی از بزرگترین دشمنان جواهرات، مد است، چون ما در طول تاریخ شاهد هستیم وقتی انسانها از نسلی به نسل دیگر می روند، علائق و سلیق آنها تغییر می کند و بالتبع توقع آنها از زیورآلات و جواهرآلات هم تغییر می کند. هوس آدمها لحظه ای تغییر می کند و همه اینها در حالی است که آدمها با مردنشان هیچ چیز جز وصیت نامه و یادی مختصر و چندساله از خود برجای نمی گذارند. زیورآلات را میتوان بازتابی از نیازهای درونی انسان به خودآرایی دانست. انسان از همان دوران نخستین برای زیباسازی خود، از اشیاء و وسایل موجود در طبیعت استفاده کرده است. که بخشی از توان و مهارت خود را به ساخت زیورآلاتی اختصاص داده است و اکثراً از مفاهیم نمادین برخوردار بوده اند (شکوهی و جعفری، ۱۴۰۲).

با ورق زدن صفحات تاریخ می توان به این نکته پی برد که تاریخ طلا همیشه از تاریخ بشر پیروی می کند، چرا که جواهرات برای آدمی همواره نماد و شکلی از ارتباط بوده و روشی برای متمایز کردن افراد از یکدیگر محسوب می شده است. جواهرات و بویژه طلا غالباً مهمترین رویدادها را با مکانیزمی جذاب همراهی کرده و بر آنها تأکید ورزیده است. یکی از محبوب ترین منبع های الهام در طراحی و ساخت جواهرات، طبیعت می باشد و در این مقاله، جواهرات و تأثیری که طبیعت بر روی طراحی آن می گذارد مورد بررسی قرار می گیرد.

۲- آشنایی با جواهرات در دوران ماقبل تاریخ و دوران قدیم

در طول قرن های متمادی، جواهرات و زیورآلات - از لحاظ ارزش، معنا و شکل خود - با آداب، سنن و رسوم جامعه زمان خود در هم آمیخته است و از حیث گونه شناسی، نمادها و ارزش ها دستخوش تحولات اساسی و عظیم شده است. در طول قرن های گذشته، جواهرات و زیورآلات گهگاه نقش های مختلفی داشته به گونه ای که در برخی موارد حتی به طور همزمان چند نقش را با هم ایفا نموده است: به عنوان مثال در دوران گذشته گاهی انسانها از آویزه ها و زیورآلات به طور همزمان هم به عنوان نماد سحر و جادو استفاده کرده اند و هم به عنوان نماد قدرت، و هم به عنوان نشانه ای از تعلق به طبقه ای خاص از اجتماع، هم به عنوان ارزش عاطفی، هم به عنوان پیوند (ازدواج) و هم به عنوان رابط زندگی پس از مرگ استفاده می کرده اند، موضوعی که حتی در دوران معاصر نیز عده ای با اعتقادات خاص خود از زیورآلات و آویزه ها به عنوان رابط این زندگی و زندگی پس از مرگ استفاده می کنند. جواهرات و زیورآلات چه در گذشته و چه در زمان حال عناصری مملو از معانی مصلحت آمیز و هویت اجتماعی هستند به گونه ای که می توان در آنها ردپای اساسی برای بازسازی تاریخ انسان از طریق باورها و خرافات، آداب و رسوم، ساختارهای اقتصادی، دانش فنی و زیبایی شناختی علایق او پیدا کرد. بر این اساس می توان گفت، جواهرات و برخی از فلزات درخشان و خوش رنگ از دیرباز مورد توجه عام و خاص بوده است (جعفری، ۱۳۹۶).

باستان شناسان و محققان حوزه انسان شناسی با تحقیق و پژوهش بر روی جواهرات و زیورآلات کشف شده از دوران باستان تلاش می کنند میراث فرهنگی تمدن های پیش از ما را بازسازی کنند: و از آنجایی که جواهرات و زیورآلات مانند طلا یا سنگ های نیمه قیمتی، نسبت به بقیه عناصر کمتر دچار فرسودگی و خوردگی طبیعت شده و مانایی آنها بیشتر است، لذا به عامل پیوند ضروری جهت فرآیند

شناختی دوران گذشته بدل شده‌اند. تاریخ استفاده از زیورها و گوهرها، به اندازه تاریخ پیدایش آدمیان در پهنه گیتی، کهن و طولانی است. آدمیان نخستین، هنگامی که از زیورها و سنگ های رنگین استفاده میکردند، هیچگاه در این اندیشه نبودند که ظاهر خود را با آنها آراسته، بر زیبایی خود بیفزایند، چراکه آنان به اشیا و مواد گوناگونی که میشناختند، از نظر سودمند بودن و ارزش های مادی و واقعیشان مینگریستند (میرجعفری و سیدبنکدار، ۱۳۸۷).

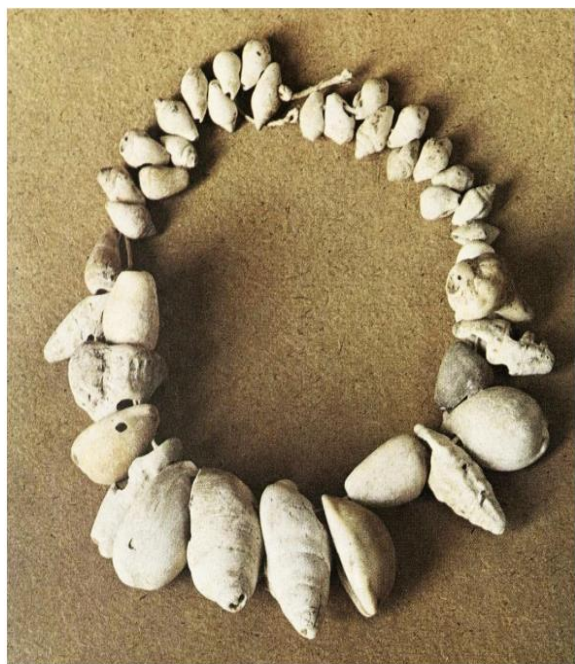
از زمان های بسیار دور، استفاده از جواهرات و زیورآلات در آداب و رسوم بشریت امری ثابت بوده است: به همین دلیل است که علاقه و میل به زیورآلات و جواهرات حتی در متفاوت ترین شکل های تمدن نیز ظهور و بروز پیدا کرده است. ضمن این که هر تمدن سبک خاص و اصلی خود را ایجاد می کنند - سبکی که به دلیل تجارت یا تهاجم، باعث می شود سبک های ترکیبی از دل آن بیرون بیاید. اطلاعات موجود در مورد جواهرات باستانی تقریباً به طور کامل بر اساس آثار باستانی کشف شده در مقبره ها یا در مخفیگاه هایی است که معمولاً در دوران جنگها مورد استفاده قرار داشته است و لذا ناچاراً این منابع تنها بخش هایی کوچک از سبک های رایج در دوره های مختلف را نمایندگی می کنند. با این حال، یافته های کشف شده امکان ردیابی تکامل سبک ها و تکنیک ها را فراهم کرده است، از زیورآلات ساده ابتدایی گرفته تا جواهرات ساخته شده توسط تمدن های باستانی پیچیده، که در خاور نزدیک و مصر ظهور کرده اند. انسانهای بدوی و ماقبل تاریخ قبل از توسعه توانایی خود در ساخت فلزات یا تراشیدن سنگ، ابتدا از اشیاء ساده موجود در طبیعت مانند دانه ها، انواع توت ها و صدف ها به عنوان زینت استفاده می کردند. انسان بدوی، که هنوز فلزات را نمی شناخت، خود را با پرها، صدف ها، پوست حیوانات وحشی، دانه ها، دندان ها و استخوان حیوانات می آراست و تلاش می کرده با الیاف گیاهی چیزهای مختلف را به هم بچسباند و به خود بیاویزد، گاهی اوقات هم چیزهای مختلفی را درون کیسه هایی می ریخت و به خود آویزان می کرد. انسانهای بدوی معمولاً موادی مانند عاج، شاخ و صدف را با استفاده از سنگ چخماق یا اُبسیدین^۱ صاف می کردند و شکل می دادند. جواهر سازان آن زمان عمدتاً لاپیدار (سنگ تراش یا صیقل دهنده) بودند.

تقریباً ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، شکارچیان در مناطق مختلف اروپا آویزهای ساخته شده از استخوان و دندان حیوانات را بر خود می آویختند. از زمان پیدایش تمدن بشری، جواهرات و زیورآلات اشیایی بوده اند که انسان سعی کرده است با آنها ناامنی های اساسی خود را از بین ببرد و برخی از صفات ناشایست نظیر غرور، خرافات و میل به ثروت مادی را از خود دور کند. با توسعه توانمندی بشر در حوزه حفاری و تراش سنگ، انواع زیور آلات نیز گسترش یافت به طوری که گسترده ترین آثار باستانی یافت شده در حفاری های مختلف سکونتگاه های ابتدایی از نوع زیورآلات بوده است و اغلب کشفیات باستانی شامل مهره ها یا دانه های تزئینی است: مهره ها یا دانه های تزئینی نوعی زیورآلات با کاربرد چندگانه است که در ادوار مختلف تاریخی به شدت مورد استقبال مردم روزگار خود قرار داشته است. ضمن اینکه ما دقیقاً نمی دانیم معنای این نوع زیورآلات چه بوده است و دلیل استقبال روزافزون مردمان ادوار مختلف تاریخ از مهره ها و دانه ها چه بوده است. با این حال، کارکرد احتمالی این نوع زیورآلات احتمالاً برای دور کردن طلسم بوده است. برای مثال، صدف هایی که در دوران نوسنگی^۲ به طور گسترده به عنوان آویزه یا زیور مورد استفاده قرار می گرفت، تا سالیان دراز توسط برخی از زنان مصری به عنوان محافظ در برابر عقیمی استفاده می شد (Phillips, 2003).

شکل (۱) تصویری از گردنبند سرامیکی و شکل (۲) نیز تصویری از گردنبند صدفی را نشان می دهد.

^۱ اُبسیدین (obsidian) یا شیشه آتشفشانی، سنگی غنی از سیلیکات است که بافت شیشه ای سیاه رنگی دارد و از سرد شدن سریع ماگما به وجود می آید.

^۲ دوره نوسنگی دوره ای مربوط به پیش از تاریخ است. آخرین دوره از سه دوره تشکیل دهنده عصر حجر (پارینه سنگی، میان سنگی و نوسنگی) را دوران نوسنگی گویند. این اصطلاح از نظر ریشه شناسی از دو کلمه یونانی neos، به معنای "جدید" و lithos به معنای "سنگ" برگرفته شده است. عصر نوسنگی در واقع با نوآوری های قابل توجه در لیتوتکنیک از سایر دوره ها متمایز شده است و اصلی ترین وجه تمایز این دوره با سایر دوره ها استفاده از "پرداخت و صیقل کاری سنگ" می باشد.



شکل (۲) - گردنبند صدفی متعلق به دوران نوسنگی (۱۵۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح)، موزه باستان شناسی شهر جنوا - ایتالیا



شکل (۱) - گردنبند سرامیکی متعلق به دوران نوسنگی، برلین (آلمان)، موزه تاریخ باستان و ماقبل تاریخ

۳- تکنیک ها و فنون فرآوری طلا

با آغاز عصر برنز^۳ (از ۳۵۰۰ قبل از میلاد تا حدود ۱۲۰۰ قبل از میلاد) و کشف طلا در این دوره، تاریخ جواهرات نیز آغاز شد. طلا همیشه برای انسان جذابیت خاصی داشته است. طلا در طول تاریخ همواره نماد سلطنت و برتری بوده است و بالاترین قدرت بر نظم فیزیکی و اجتماعی جهان محسوب می شده است. طلا نشانه حداکثر اقتدار و برتری نسبت به انسان ها و اشیاء، نشانه باروری، نشانه فراوانی، نشانه غنی بودن و نیز نشانه ای از کامل بودن معنویت و مادیت بوده است. در طول تاریخ، صاحبان قدرت از طلا برای بروز و جلوه حاکمیت، قدرت، ثروت، اشرافیت، تمایز اخلاقی و تمایز اجتماعی بهره برده اند. طلا یک فلز طبیعی و گرانبهائی است که برای تزئین و ساخت زیورآلات بسیار مناسب است، چون به راحتی قابل قالب گیری است و به همین دلیل برای بروز و جلوه تخیل خلاق صنعتگران و نمودار کردن هوس پایان ناپذیر انسان مناسب است. طلا یک فلز نرم است که هادی بسیار خوب جریان برق نیز محسوب می شود و از جمله عناصر سنگین، انعطاف پذیر و چکش خوار می باشد. به عنوان نمونه می توان یک گرم طلا را آنقدر گسترده کرد تا یک ورقه طلا به مساحت ۱ متر مربع داشته باشیم. فلز طلا در برابر هوا و اکثر ترکیبات شیمیایی بسیار مقاوم است (و تنها موادی که خورنده طلا هستند عبارتند از وایت اسپریت یا حلال ویژه، یون سیانید و جیوه). طلا اغلب به صورت تکه ها، دانه ها و لکه هایی در سنگ های نهشته های آبرفتی یافت می شود. گرانبه ها بودن و ویژگی های نمادین فلز طلا در طول تاریخ همواره به این معنا بوده است که زرگرها همواره در بین صنعتگران به عنوان نخبگان واقعی شناخته می شدند و همواره از حمایت و پشتیبانی حاکمان، کشیشان و اشراف برخوردار بوده اند. تکنیک ها و فنون طلاکاری به دوران باستان برمی گردد، حتی برخی از تکنیک های بسیار پیچیده فرآوری طلا در بین النهرین مورد استفاده قرار گرفته است. سیر تکاملی فرآوری طلا از تراش، کوبش و حکاکی بر روی ورقه های چکش کاری شده طلادر دوره برنز یا مفرغ شروع شد و تا کار پیچیده زرگران و صنعتگران در دوره های بعد در مصر، یونان، کرت و ایتالیا ادامه یافت. در کشورهای مصر، یونان، کرت و ایتالیا تکنیک ها و فنون جدیدی متولد شد که با آنها می شد کارهای هنری و چیزهای جالب و زیبا خلق نمود.

^۳ عصر برنز یا عصر مفرغ دوره ای در تاریخ پیشرفت بشری است که در روند آن انسان ها بیشتر به فلزکاری دست زدند و از شیوه هایی برای گداختن مس و قلع و فرایند آلیاژسازی آن و قالب ریزی برنز بهره بردند.

۱-۳- جوشکاری طلا

بعد از کشف طلا و آغاز فرآیند فلزکاری و فرآوری طلا در عصر مفرغ، گستره‌اشیایی که می‌شد از یک ورق فلز درست کرد قابل توجه بود، اما زمانی فرا رسید که بشر به این نتیجه رسید که باید دو قطعه طلا به هم وصل شوند. در ابتدا صنعتگران و زرگران تلاش کردند اتصال دو قطعه فلز (یا طلا) را با استفاده از پرچ، سنجاق کردن دو قطعه به هم یا به معنای واقعی کلمه دوختن قطعات به هم با نخ‌های طلا حل کنند. کلید اتصال دو قطعه طلا در ناخالصی‌های آن نهفته است. طلا در حالت طبیعی خود همیشه به شکل آلیاژ با فلزات دیگر، معمولاً نقره و مس است. برخی از زرگران دقیق‌تر حتماً ملاحظه کرده‌اند که وقتی می‌خواهند دانه‌های طلا را ذوب کنند، برخی از ناخالصیهای داخل این دانه‌ها زودتر از دانه‌های طلا ذوب می‌شوند، بنابراین منبسط شده و به یکدیگر می‌پیوندند. طولی نکشید که صنعتگران این دانه‌های زود ذوب را جدا کردند و از آنها برای لحیم کاری یا جوشکاری ورقه‌های طلا به هم استفاده کردند. البته قبل از رسیدن به مرحله جوشکاری، لازم بود مشکل اکسیداسیون برطرف شود: از آنجایی که در نوشته‌های دوران باستان از هیچ ماده خاصی برای جوشکاری یا لحیم کاری ورقه‌های طلا نام نبرده شده است، لذا می‌توان تصور کرد که آنها از شکلی از «شار» استفاده می‌کردند. هنگامی که طلا نزدیک به نقطه ذوب خود می‌رسد، یک لایه سطحی از اکسید تشکیل می‌شود که در جریان و چسبندگی لحیم کاری اختلال ایجاد می‌کند. بنابراین سطحی که قرار است جوش داده شود باید با یک «شار» پوشانده شود که به عنوان مانع هوا عمل می‌کند و از اکسیداسیون جلوگیری می‌کند. البته نمی‌توان با قاطعیت گفت که چه ماده‌ای در دنیای باستان به عنوان «شار» استفاده می‌شده است (Le Van, 2011). شکل (۳) نمایانگر تصویری از جوشکاری طلا است.



شکل (۳) - تصویری از جوشکاری طلا

۲-۳- حکاکی و کنده کاری بر روی طلا

حتی تکنیک‌ها و فنون تزئینی که توسط زرگران امروزی استفاده می‌شود توسط صنعتگران دنیای باستان ابداع و توسعه یافته است. یکی از قدیمی‌ترین روش‌ها منبت کاری یا خاتم کاری است که به وسیله آن تزئینات بر روی ورق فلز «حکاکی» می‌شود. در مورد طلا، ورق طلا بر روی بستری از یک سطح داغ گذاشته می‌شود، نقوش تزئینی ردیابی می‌شود و سپس به‌طور سیستماتیک با درفش یا سنبه نوک تیز مختلف حکاکی می‌شود. از آنجایی که بستر زمین نرم‌تر از ورقه طلا است، لذا ورق طلا می‌تواند در برابر فشار پانچ یا سنبه تسلیم شود و بر اساس طراحی تغییر شکل دهد. سطح زمین چسبناک است و ورق طلا به آن چسبیده می‌ماند و همیشه در تمام طول فرآیند فرآوری و حکاکی تکان نمی‌خورد به خوبی خراشیده می‌شود. زمین همچنین از شکستن طلا هنگام کار در یک بخش کوچک جلوگیری می‌کند. بعد از آنکه عملیات خاتم کاری/حکاکی/کنده کاری بر روی ورق طلا تمام شد، ورق را از زمین جدا می‌کنند، آن را تمیز

می‌کنند و با ابزارهای خاص نازک‌کاری، پرداخت نهایی روی آن انجام می‌شود. سپس خطوط نامشخص برجسته می‌شوند و نازک‌کاری و پرداخت دقیق و ریز بر روی آن انجام می‌شود: این فرآیند معمولاً با سنبه ریز انجام می‌شود که شامل تکمیل بخش پیشین یا جلویی قطعه با استفاده از سنبه بدون برش است که به آن اسکنه می‌گویند. شکل (۴) نمایانگر تصویری از حکاکی و کنده‌کاری بر روی طلا است.



شکل (۴) - تصویری از حکاکی و کنده‌کاری بر روی طلا

۳-۳- قالب‌گیری طلا و جواهرات

قالب‌گیری یا قالب‌ریزی نشان‌دهنده ورود مفهوم تولید انبوه به دنیای جواهرات است. برای کاهش زمان پردازش و فرآوری طلا، زرگران متوجه شدند که به جای برجسته کردن هر بخش از دکوراسیون به طور جداگانه، می‌توانند طرح کامل را روی یک ابزار برنزی حکاکی کنند و با قرار دادن قالب روی یک ورق صاف طلا، هر تعداد کپی که می‌خواهند به دست آورند. بعد از اتمام فرآیند قالب‌ریزی و خشک شدن طلای مذاب، قطعه مورد نظر با چکش و ضربه از قالب بیرون کشیده می‌شود.

۳-۴- گودنگاری و ژرف‌نگاری بر روی طلا و جواهرات

ابزارهای حکاکی دارای پروفایل تیز هستند که فلز را برجسته کرده و بخشی از آن را جدا می‌کنند. برای این منظور تلاش شده است تا ابزارهای مقاومی تولید شود و برای این منظور سعی شده است فلز برنز فورج گردیده و سفت شود. با این حال، ابزارهای ساخته شده از این ماده فلزی بسیار شکننده هستند و خیلی زود می‌شکنند یا از استحکام مناسب برخوردار نیستند. با همه این اوصاف، تکنیک حکاکی تنها پس از اختراع ابزارهای فولادی، یعنی بین ۸۰۰ تا ۶۰۰ قبل از میلاد، در مقیاس وسیع مورد استفاده قرار گرفت. شکل (۵) نمایانگر تصویری از گودنگاری و ژرف‌نگاری بر روی طلا و جواهرات است.



شکل (۵) - تصویری از گودنگاری و ژرف نگاری بر روی طلا و جواهرات

۵-۳- واترمارک (نهان نگاری) و دانه بندی طلا و جواهرات

پس از کشف هنر جوشکاری یا لحیم‌کاری، زرگران خیلی زود تزئین سطح اشیاء تزئینی را با استفاده از رشته و دانه‌های طلا آغاز کردند. روش کار آنها به این صورت بود که ابتدا رشته از طریق نخ ریسی کشیده می‌شد، فرآیندی که هیچ شباهتی با نخ‌کشی زرگران و صنعتگران مدرن نداشت. فلز برنز برای ساخت این نخ ریسی بسیار نرم بود، اما ممکن بود رشته برنزی از طریق دانه‌های سوراخ شده سنگ سخت کشیده شود. این رشته امکانات بی‌نهایتی را برای ترکیب‌های تزئینی به صنعتگر می‌داد. با یک جفت موج‌چین برنزی، صنعتگر می‌توانست مارپیچ، دایره و خطوط موج‌دار ایجاد کند و سپس آنها را بر روی وجه ظاهری اشیاء لحیم‌کند. آنها همچنین می‌توانستند دو یا چند رشته را به هم ببافند و یک الگوی زینتی پیچیده درست کنند. به این دسته از افراد زردوز یا فیلیگر می‌گفتند. فیلیگران برای تنوع بخشیدن به تزئینات، غالباً از کره‌ها یا گوی‌های توپر یا توخالی استفاده می‌کردند. دانه بندی قبلاً در هزاره سوم قبل از میلاد مورد استفاده قرار می‌گرفت، اما آن زمان دانه‌هایی که مورد استفاده قرار می‌گرفت معمولاً بزرگ و زمخت بود. اما اتروسک‌ها کسانی بودند که در بازه زمانی بین ۷۰۰ تا ۶۰۰ قبل از میلاد این تکنیک را به کمال رساندند و آثاری زیبا و چشم‌نواز تولید کردند. دانه‌های استفاده شده به قدری کوچک بودند که کار تمام شده بیشتر شبیه یک بافت گلداز بود تا ترکیبی از دانه‌ها. اتروسک‌ها معمولاً با یک خمیر هیدروکسید مس، دانه‌های خیلی کوچک تزئینی را به سطح بستر مار می‌چسبانند. در آن زمان خمیر هیدروکسید مس هم به عنوان چسب موقت استفاده می‌شد و هم به عنوان لحیم‌کاری. جالب است بدانید خمیر هیدروکسید مس هنگامی که گرم می‌شود، ابتدا به اکسید مس تجزیه می‌شود و یک اتصال نامرئی بین قطعات طلا ایجاد می‌کند. شکل (۶) نمایانگر تصویری از واترمارک (نهان نگاری) و دانه بندی طلا و جواهرات است.



شکل (۶) - تصویری از گودنگاری و ژرف نگاری بر روی طلا و جواهرات

۶-۳- فیوژن زیورآلات و جواهرات

ریخته‌گری یک روش غیر معمول برای تولید اشیاء فلزی است و بنا به دلایل اقتصادی در قرون گذشته به ندرت استفاده می‌شد. با وجود این، ریخته‌گری از ۵۰۰۰ سال پیش فرآیندی کاملاً شناخته شده بود: اولین روشی که برای ریخته‌گری استفاده شد، ریخته‌گری باز بود و اشیایی که به این روش ساخته شدند در بین‌النهرین کشف شده‌اند و مربوط به دوران العُبید ۴ و اوروک (حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد) می‌باشند. آن زمان ساده‌ترین روش ریخته‌گری این بود: شکلی که دوست داشتند به شیء فلزی بدهند را با سنگ یا سفال می‌ساختند و آن را با فلز مذاب پر می‌کردند و اجازه می‌دادند تا سرد شود، وقتی ماده مذاب سرد می‌شد، شکل جامد به خود می‌گرفت و به همان شکلی درمی‌آمد که در قالب سنگی یا سفالی برای آن طراحی کرده بودند. این روش برای اجسام مسطح روشی خوب و

۴ دوره عُبید (حدوداً ۵۵۰۰ تا ۳۸۰۰ پیش از میلاد) دوره‌ای پیشا تاریخی در میانرودان یا بین‌النهرین است. نام این دوره برگرفته از تل العُبید در غرب اورستان ذی قار عراق می‌باشد که نخستین کاوش بزرگ در آن در سال ۱۹۱۹ توسط هنری هال و بعدها توسط لئونارد وولی انجام گرفت.

رضایت بخش بود، اما بعدها مشکل ادغام و به هم پیوستن اجسام سه بعدی به وجود آمد. به همین دلیل صنعتگران مجبور شدند تکنیک ریخته گری قالب را توسعه دهند، تکنیکی که حتی امروزه هم استفاده می شود. روش این بود که قالب را با موم مدل می کردند و قالب درست شده با موم را با خاک رس می پوشانند و اجازه می دادند تا قالب مومی کاملاً خشک شود. سپس داخل آن فلز مذاب می ریختند و اجازه می دادند تا ماده مذاب خشک شود، سپس موم را شکسته و شیء قالب ریزی شده را از درون آن بیرون می آوردند. اجسام جامد تولید شده با این روش بسیار سنگین بودند و برای ساخت آنها نیاز به مقدار زیادی فلز بود. به همین دلیل صنعتگران به فکر تغییر روش ریخته گری افتادند و لذا ریخته گری پترن ابداع شد. در ریخته گری به روش پترن ابتدا الگوی مورد نظر با گل یا چوب ساخته می شد و آن را داخل یک محفظه قرار می دادند و بر روی آن فلز مذاب می ریختند، بعد از آنکه ماده مذاب خشک می شد آن را برش می زدند و قالب گلی یا چوبی را در می آوردند و سپس دو تکه از هم جدا شده را به هم پیوند می زدند. با این روش، اشیائی با وزن کمتر تولید می شد ضمن اینکه فلز بکار برده شده برای ساخت چنین اشیائی به مراتب کم بود. آخرین و دقیق ترین روشی که در دنیای باستان اختراع شد، ریخته گری مومی بود که امروزه دیگر از نسخه گل رس آن استفاده نمی شود. در ریخته گری دقیق با موم، یک الگوی مومی در دوغاب گل رس فرو برده می شد. هنگامی که پوشش دوغاب گل رس سخت شد، این فرایند غوطه وری چندین بار تکرار می شد تا ضخامت پوشش و مقاومت آن افزایش یابد. پس از سفت شدن پوشش نهایی، موم ذوب شده و فلز مذاب در حفره ایجاد شده توسط الگوی موم ریخته می شود. از مزایای این روش صرفه جویی در زمان پردازش جسم و حذف سوراخ های ریخته گری بود. شکل (۷) نشان دهنده تصویری از فیوژن زیورآلات و جواهرات است.



شکل (۷) - تصویری از فیوژن زیورآلات و جواهرات

۷-۳- رنگ در طلا و جواهرات

با کشف طلا، تزئینات با سنگ های رنگی، سنگریزه و شیشه که در ادوار گذشته، اساس و بنیان زیور آلات شخصی بود، کنار گذاشته شد. مورد استثنایی که لازم است به آن اشاره شود، مصر باستان است، در مصر باستان اشتیاق به سنگ های رنگی همیشه مد بوده است. اولین سنگ های سخت و نیمه قیمتی که هم مصریان و هم سومری ها استفاده کردند، سنگ لاجورد، کارنلین، فیروزه، عقیق و جاسپر^۵ بود. در ابتدا این سنگ ها به روش سنتی استفاده می شدند، یعنی سوراخ کاری می شدند و به صورت رشته در می آمدند، اما صنعتگران خیلی زود تکنیک های جدیدی را برای گنجاندن آن ها در کار طلا و زرگری شکل دادند.

۸-۳- خاتم کاری یا منبت کاری زیورآلات

یکی از اولین و رایج ترین روش های مورد استفاده در آن زمان خاتم کاری یا منبت کاری بود که به وسیله آن سنگ های رنگی را بر روی سطح اشیاء ساخته شده از طلا تثبیت می کردند. این نوع تثبیت باید دو ویژگی اصلی داشت: نگه داشتن سنگ در موقعیت مورد نظر و محافظت از آن در برابر ضربه و ساییدگی. سومری ها روشی را اختراع کردند که به عنوان cloisonné (کلوزون) شناخته می شد.

^۵ جاسپر یکی از گونه های مختلف سنگ کوارتز موجود در طبیعت امروز است - سنگی مات و پر از ناخالصی های دی اکسید سیلیکون.

در این روش نوارهایی از ورقه های نازک طلا بریده می شد، سپس به صورت دایره ای در می آمدند و بر روی سطح جسم لحیم می شدند، که نتیجه آن تشکیل یک بستر مناسب برای گذاشتن سنگ بود. این بستر کلوزونی در نهایت با یک خمیر صمغی به ورق طلا چسبانیده می شد. معمولا از خمیر صمغ با همان رنگ استفاده می شد تا جلو کار زیبا باشد. همان رنگ ثابت شد. در پایان کار دیواره های طلایی شیء بر روی سنگ پرس می شدند تا سنگ تزئینی بر روی شیء محکم شده و تکان نخورد (فرآیندی که امروزه برای کاشت نگین انگشتر هم استفاده می شود). شکل (۸) نمایانگر تصویری از فیوژن زیورآلات و جواهرات است.



شکل (۸) - تصویری از فیوژن زیورآلات و جواهرات

۹-۳- جایگزین های جواهرات

سنگ های مورد استفاده برای جواهرات همیشه به راحتی در دسترس بوده اند، اما حجم تولید، به ویژه در مصر، به این معنا بود که در نقطه ای خاص از جغرافیا، تقاضا از عرضه بیشتر است و به همین دلیل صنعتگران مجبور شدند به دنبال جایگزین هایی باشند و جواهرات را شبیه سازی کنند. یکی از روش ها استفاده از کریستال های سنگی شفاف و آتش زدن آنها پس از مخلوط شدن با چسب های رنگی بود. این روش برای تولید کارنلین های تقلبی خیلی روش خوبی بود، اما نمی توانست جایگزینی مناسب برای سنگ های قیمتی مانند لاجورد و سنگ آبی تیره یا فیروزه ای شود که صرفا در افغانستان و خراسان ایران وجود داشت. برای شبیه سازی لاجورد، صنعتگران از نوعی سرامیک استفاده می کردند. یکی دیگر از روش های بسیار محبوب در شبیه سازی (که توسط مصری ها ابداع شد)، استفاده از شیشه های لعابی متخلخل بود که یکی از اولین اشکال شیشه محسوب می شود. در شکل (۹) تصویری از جایگزین های جواهرات مشاهده می گردد (Piscitelli, 2014).



شکل (۹) - تصویری از جایگزین های جواهرات

۴- طلا و جواهرات در ایران باستان

سال ۵۳۹ ق.م. شهر بابل و تمام بین‌النهرین به دست کوروش بزرگ، پادشاه بزرگ پارس^۶، سرسلسله بزرگ هخامنشیان (قبیله ای که متعلق به کوهستان‌های ایران بودند) فتح شد. پادشاهان ایران، شبیه به سایر فاتحان در ادوار مختلف تاریخ، عاشق فرهنگ و دانش مردم بین‌النهرین شدند و از هنر این منطقه تاثیر پذیرفتند.

آن زمان فلزات و سنگ‌های گرانبها اغلب در اشکال مختلف هنری مانند انگشتر و گردنبند، مهر و سکه، گلدان و تجهیزات نظامی استفاده می‌شد. بنابراین «جواهر» را باید زیور شخصی دانست که با مواد گران قیمت ساخته شده است، به عبارت دیگر تاج، گوشواره، گردنبند و چوکر، دستبند و انگو، بازوبند، سگک کمربند، سنجاق سینه و پولک همه جزو زیورآلات شخصی هستند که در کشفیات باستان‌شناسی پیدا شده‌اند. منشأ باستانی چنین اشیایی در ایران با انبوهی از شواهد باستان‌شناسی و ادبی تأیید شده است.

اولین گردنبندها، سگکها و دستبندهای منسوب به بردگان در شهرهای شوش، تل باکون (حوالی تخت جمشید در استان فارس)، تپه حصار و تپه سیلک پیدا شده که از صدف، مهره و استخوان در ساخت آنها استفاده شده است. از هزاره سوم ق.م. اولین اشیاء مسی و مفرغی در کنار تزیینات سنگی یافت شده است. با پیشرفت متالورژی و ورود مهاجرت‌های جدید به فلات ایران، نقره و طلا رواج یافت. این دو فلز اغلب با سنگ‌های قیمتی مانند عقیق، کارنلین، فیروزه، لاجورد، مروارید، آلاباستر و کوارتز هیالین (کریستال سنگی) منبت‌کاری و تزئین شده‌اند. پنج پولکی منسوب به دوران ماقبل تاریخ در بخشهایی از ایران کشف شده است. این پولکها به عبارتی زیورآلات دکمه‌ای شکل کوچک هستند که روی لباس‌ها دوخته شده‌اند و از ورقه طلا ساخته شده و سر یک موفلون یا گوسفند وحشی را نشان می‌دهند. اندکی بعد گردنبند طلا و کارنل ساخته شده است که مشخصه هنر و ذوق شمال ایران در اواسط هزاره دوم پیش از میلاد است. این گردنبند طلا از حدود سی تکه کوچک به شکل دانه انار تشکیل شده است و هر دانه به طور متناوب با دانه‌های گلدانی شکل کنار هم چیده شده‌اند و جلوه‌ای متضاد ایجاد می‌کند. بزرگترین قطعه در مرکز قرار دارد و تکه‌های باقیمانده تا بند پشت گردن کاهش می‌یابند (Pourjavady, 2001).

در زیویه (که یکی از بخشهای شهرستان سقز در استان کردستان است) گنجینه‌ای از تنوع قابل توجه کشف شده است. قدمت برخی از یافته‌ها به اواخر قرن هفتم قبل از میلاد برمی‌گردد. کشفیات و یافته‌های این منطقه به وضوح نشان‌دهنده آمیزه‌ای از هنر بین‌النهرین، هنر ایلامی، هنر اورارتو و هنر عشایر ایرانی است. یک نمونه از کشفیات در این منطقه قطعه‌ای از تاج طلایی است که در فواصل معین با گل رز و هشت گلبرگ تذهیب شده است، نقشی که مورد پسند هنرمندان ایرانی است. یکی دیگر از یافته‌ها در این منطقه، یک روپوش یا یک دستکش زرهی بافته شده از نخ طلا است که جمعا از پنج حلقه تشکیل شده است و دو حلقه از آن در ابتدا و سه حلقه در ادامه قرار دارند که هنوز هم به یکدیگر متصل هستند و یک بند دارد که گویی از آن برای اتصال به مچ دست استفاده می‌شده است. بهترین جنس یا شیء کشف شده موجود در گنجینه زیویه، یک سینه بند با پشت طلایی باشکوه به شکل هلال ماه است که ضخیم بوده و در اصل با یک زنجیره به دور گردن متصل می‌شده است. بقایای یک کمربند طلایی هم در این منطقه کشف شده که در اصل بر روی یک کمربند چرمی پهن دوخته شده بود. این سگک کمربند هم با همین "سبک حیوانی" تزئین شده است.

اوج تولیدات تجملی در دوره هخامنشیان مربوط به ۵۵۰ تا ۳۳۰ قبل از میلاد مسیح است. محققان و باستان‌شناسانی که بر روی آثار برجای مانده از این دوره تحقیق می‌کنند، به رفاه اقتصادی در امپراتوری بزرگ هخامنشی گواهی می‌دهند و تجلی آن را در قالب جواهراتی عنوان می‌کنند که زنان و مردان آن زمان، به ویژه اشراف-می پوشیدند: آنها روسری‌ها و تاج‌هایی می پوشیدند که با سنگ‌های قیمتی تزئین شده است، از جمله تجملات آن دوره می‌توان به دستبند و سایر لوازم تزئینی (نظیر دکمه‌ها، پولک‌ها، سنجاق‌ها و گل‌یقه) و تزئینات اسلحه و زره اشاره نمود. از مطالعه آثار به دست آمده می‌توان تصویری از جواهرات ایرانی در دوران هخامنشی به دست آورد. جالب‌ترین آنها حلقه‌های کوچک شیر طلایی است که در اصل منبت کاری شده‌اند و به عنوان براکته (برگ‌های طلای مهر

^۶ نام پارس از دیرباز برای اشاره به ملت ایران کنونی استفاده می‌شده است. همچنین از مردم ایران و امپراتوری‌های باستانی آن با این عنوان استفاده شده است. این نام برگرفته از واژه یونانی ایران باستان یعنی پرسپولیس است که به نوبه خود از نام طایفه اصلی کوروش بزرگ یعنی پارس یا پارسا برگرفته شده است. پارسیان مردمی هندواروپایی هستند که بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰ پیش از میلاد در منطقه جنوبی فلات ایران با پایتختی تخت جمشید و پاسارگاد ساکن شدند.

شده با سوراخ یا حلقه‌هایی برای اتصال به لباس) و یک آویز طلایی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. گنجینه آمودریا (Oxus) که به طور تصادفی در سال ۱۸۸۰ یافت شد، شامل دو دستبند طلایی باشکوه است که با سلول‌هایی تزئین شده است. این سلولها با لازولیت مثبت کاری شده‌اند، و انتهای آن به شکل دو شیر گریفین شاخدار با بال‌های باز ساخته شده که متعلق به قرن پنجم یا چهارم قبل از میلاد بازمی‌گردد. از جمله اشیای دیگری که در این گنجینه یافت شد می‌توان به پولک طلایی (که نماد امپراتوری ایران بوده است)، یک عقاب بدون بال، یک بشقاب باریک و یک دستبند با بزهای بالدار در دو انتها اشاره نمود (Alexander, 1980).

در میان اشیای تدفینی کشف شده در شوش، یک گردنبند طلایی باشکوه (شبیه به یقه بند یا چوکر) وجود دارد که داخل آن خاتم کاری شده و دو سر آن به شکل سر شیر است. از جمله کشفیات کاملاً شانس و تصادفی در شوش، یک شیء شبیه به مدال است که شبیه به نیم تنه یک مرد است که بر روی اولین سکه امپراتوری هم‌همین شکل نقش بسته است و پیرامون آن با گل رز تزئین شده است. در این گنجینه همچنین یک گوشواره استثنایی با سلول‌های خاتم کاری شده مشاهده می‌شود که هفت پیکر آن نشان‌دهنده پادشاه ایرانی است که در کنار شش بزرگ‌زاده‌اش قرار دارد. دومین گنجینه باشکوه کشف شده در این منطقه متعلق به تقریباً قرن پنجم قبل از میلاد مسیح است و موتیف یا الگویی را نشان می‌دهد که معنای نمادین عمیقی دارد.

سبک ایرانی در تزئین و ساخت زیورآلات به طور ویژه تأثیری ماندگار بر هنر عشایر ایرانی شمال داشت که آنها سپس آن را به اروپا منتقل کردند، جایی که تأثیر آن بر جواهرات دوره کوچ‌های بزرگ را می‌توان در طرح‌های چند رنگ از حیوانات و در انتخاب نقوش به صورت جفتی و دوتایی یافت.

جواهرات دوره اشکانی کمتر شناخته شده است. نمونه‌های خوب و قابل اعتنای جواهرات در دوره اشکانی عبارتند از: گردنبندهای مارپیچی که به پرند ختم می‌شوند، نقش تصویر مهرداد دوم (اشک‌نهم) بر روی سکه‌های کشف شده منتسب به این دوران، گردن‌بند مارپیچی اُرد دوم (یا اشک‌سیزدهم) و حکاکی تصویر فرهاد چهارم (اشک‌چهاردهم) بر روی سکه‌های این دوره که حیوانی هم در جلوی ایشان قرار دارد، زنجیر ظریف و پرداخت شده به صورت استادانه‌ای که توسط مردان و زنان اشکانی پوشیده می‌شده و نیز تصاویر و نقوشی که در نمای مجسمه‌سازی آن‌ها یافت شده است.

در دوره ساسانی از جواهرات استفاده بسیار گسترده‌ای شده است. نمونه‌های کشف شده از جواهرات منسوب به دوره ساسانی می‌توان به سگک طلایی یک کمر بند اشاره کرد که با جواهرات مثبت کاری شده است و اکنون در موزه ای در آلمان نگهداری می‌شود. همچنین یک سکه از امپراتور روم والنس منسوب به اواخر قرن چهارم میلادی نیز کشف شده که بر این موضوع صحت می‌گذارد. دو گردن‌بند با مثبت سنگ‌های قیمتی؛ و یک سگک طلا از جمله مصادیق و نمونه‌های تزئینات هنری و ذوق اشرافی در دوران ساسانیان هستند.

شکل (۱۰) تصویری از قلاب کمر بند، منسوب به اواسط قرن پانزدهم میلادی و شکل (۱۱) تصویری از جام طلایی منسوب به قرن ۱۲-۱۱ قبل از میلاد است (Pourjavady, 2001).



شکل (۱۱) - جام طلایی که گاو نر بالدار و درخت بر روی آن به تصویر کشیده شده است. قد ۱۸ سانتی متر، وزن ۳۱۶ گرم، منسوب به قرن ۱۱-۱۲ قبل از میلاد، مارلیک، موزه ملی ایران، تهران



شکل (۱۰) - قلاب کمر بند، این اثر منسوب به اواسط قرن پانزدهم میلادی است و همک اکنون در موزه هنرهای اسلامی نگهداری می شود.

۵- جواهرات در عصر حاضر

طراحی زیورآلات و جواهرات فرایندی پویا و خلاقانست و در بسیار از موارد نیازمند الهام و ایده پردازی، شناخت منابع الهام بخشی چون طبیعت، ساخته های پیشین، طرح ها و نقش مایه های کاربردی، می تواند به نوآوری و خلق مدل هایی که علاوه بر اصالت و زیبایی، با سلیقه مخاطب امروزی نیز هماهنگ باشد، بی انجامد و موفقیت در بازار را تضمین نماید (نقی پور و شکوی زاده، ۱۴۰۱).

از سال ۱۹۶۰، تغییرات قابل توجهی در بخش طلاسازی رخ داده است: در حالی که کارگاه های اصلی تولید فلزات گرانبها در سطح بین الملل بر اساس سبک های تکامل یافته از دهه های گذشته به کار خود ادامه می دهند، اما نوآوری عمدتاً به دست هنرمندان فردی - صنعتگران آموزش دیده در این زمینه ادامه یافته است. مدارس و آموزشگاه های هنر در بسیاری از موارد، به جای آموزش هنر، به تجارت در این عرصه روی آورده اند و مفهوم هنر زرگری را از طریق استفاده از مواد جدید و اشکال کاملاً متفاوت به چالش کشیده اند. در عصر و زمانه امروزی همزمان چندین ایده جدید به موازات هم در یک دوره کوتاه رشد می کنند، برخی از آنها البته و تقریباً از هر نظر متفاوت هستند، برخی دیگر به شکل سبک های جدید بروز می کنند، اما کاملاً واضح است که از سنت های تثبیت شده تکامل یافته اند. نسل جدیدی که در دهه های شصت و هفتاد ظهور کردند، مفهوم جواهرات و نقش آن در جامعه را به چالش کشیدند و - مانند سایر اشکال هنری - سنتها و عادات موجود را تغییر دادند. آنها همچنین مرزهای بین جواهرات و مجسمه سازی، لباس و حتی هنر پرفورمنس را از طریق آزمایش های هنری برداشتند و آن را از ماهیت تزئینات ساده تهی کردند.

از دهه های پنجاه و شصت (قرن بیستم) به بعد است که جواهرات به طور قطعی «به عنوان یک بیان هنری آزاد برای تفسیرها و آزمایش های شخصی با فرمها، مواد و تکنیک ها درک می شود»^۷، بنابراین می توان آن را شروع جدیدی دانست. آن زمینه تحقیقاتی که امروزه موجب شده تا زیورآلات خارق العاده خلق و ایجاد شده و هنوز هم ایجاد شود، در کشورهای انگلوساکسون یا آلمانی زبان فراهم گردیده است. ما در اینجا از "جواهرات جدید" (neue schmuck) صحبت می کنیم، در حالی که در ایتالیا ترجیح می دهیم "تحقیق"

^۷ M. C. BERGESIO، مفهوم جدیدی از ارزشمندی: ماده به عنوان منبع الهام خلاق، در D. LBEMPORAD (ویرایش توسط)، Lucca Preziosa... cit. 2005، ص. ۳۱.

را در مورد آن استفاده کنیم. در حوزه صنعت طلا و زرگری در اروپا، کشورهایی مانند آلمان، هلند و انگلیس خیلی زود را بازیافتند و پیش‌تاز این حوزه شدند، که شاید بتوان دلیل آن را شیوه ناجوانمردانه و انقلابی عنوان کرد که آنها از آن برای درک تزیینات و زیورآلات استفاده نمودند. آنها از فنون و از معانی تاریخی که به دنیای زرگری نسبت داده می‌شود، مفهوم زیورآلات را در واقع به موضوعی از تجربیات هنری خالص تبدیل کردند. ایتالیا حداقل برای یک دوره اولیه، تحقیقات خود را در این حوزه توسعه داد. برای مثال، ایتالیا استفاده از مواد گرانبها را برای ساخت زیورآلات ترجیح می‌دهد، در حالی که در خارج از ایتالیا این ایده وجود ندارد. برخی از بزرگترین رویدادهای مرتبط با دنیای جواهرات معاصر، با نمایشگاه بین‌المللی آغاز شد که در سال ۱۹۶۱ با عنوان «نمایشگاه بین‌المللی جواهرات معاصر ۱۸۹۰-۱۹۶۱» در لندن برگزار شد. در این رویداد نه تنها آثار خانه‌های بزرگ زرگری به نمایش گذاشته شد، بلکه اولین آزمایش‌های هنرمندان جوان جواهرسازی نیز به نمایش گذاشته شد. این اولین نمایشگاه بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود.

۶- منظور از جواهرات در دوره معاصر

زیورآلات معاصر به زیورآلاتی اطلاق می‌گردد که هنرمند در دوره حاضر در خلق آنها تاکید بر طراحی و ایده پردازی بر اساس چالش‌ها و دغدغه‌های بشر امروز دارد. جواهرات معاصر نمونه کاملی از توجه به ایده‌های مفهومی هستند که در آن‌ها مواد و مهارت‌ها به جای اینکه هدف نهایی باشند در خدمت ایده‌ها قرار می‌گیرند و همین موضوع است که جواهرسازی معاصر را نسبت به گذشته متمایز می‌کند. این هنر که با تاکید بر تنوع متریال، تنوع ارائه، ارتباط با بدن و تاکید بر مساله اعتبارهای اجتماعی شکل گرفته است، قابلیت‌های بصری و معنایی اثر در مقام یک رسانه هنری مستقل، مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیبایی‌شناسی را به چالش می‌کشد (مزنگی، ۱۴۰۰).

جواهرات معاصر با کاغذ، فولاد، آلومینیوم، شیشه، نایلون، پی‌وی‌سی، پلاستیک، با مواد بازیافتی، جامد، مایع، مواد طبیعی یا صنعتی ساخته می‌شوند. بنابراین ارزش جواهرات معاصر دیگر نه در ارزش ذاتی مواد مورد استفاده، بلکه در ایده و در نیت ارتباطی بیان شده توسط هنرمند است و در نتیجه دیگر در تجلی ملموس موقعیت اجتماعی تلقی نمی‌شود، بلکه یک انتخاب فرهنگی است. این زیورآلات اکنون حتی بیشتر یک ابزار ارتباطی شخصی برای خالق آن محسوب می‌شوند. در زیورآلات معاصر معانی باز پس گرفته می‌شوند و جامعه مصرف‌کننده، در نتیجه صنعتی شدن و رفاه انبوه، آنها را از معنی تهی کرده است. با این حال جواهرات و زیورآلات هنوز هم می‌تواند کمافی‌السابق الگوی مورد علاقه افکار و نیازهای بشر باشد. در برخورد امروزی آدمها با زیورآلات و جواهرات، رابطه ناگسستنی جواهرات و بدن انسان، به دلیل ماهیت بنیادی آن به عنوان ادای احترام، ناپایدارتر شده است به طوری که جواهرات معاصر را قهرمان اجراها و اینستالیشن‌ها می‌دانند. جواهرات معاصر نسبت به جواهرات سنتی «دموکراتیک‌تر» هستند، زیرا همه کسانی که توانایی خاصی در تفسیر آزادانه هنر تزئین خود دارند می‌توانند از آن استفاده کنند. زیورآلات معاصر بیانی از شخصیت منحصر به فرد افراد است و به سختی می‌تواند یک "ملک خانوادگی" باشد که از نسلی به نسل دیگر منتقل شود زیرا نمی‌تواند توسط افراد مختلف بدون تغییر معنی و ارزش (ایده آل) آن پوشیده شود. مرزهای بین جواهرات، مجسمه‌ها، هنر اجرا و مد جواهرات و زیورآلات همانند گذشته است و به طور مداوم توسط هنرمندانی که محدودیت‌های کنوانسیون را رد می‌کنند، بازتعریف می‌شوند.

۱-۶- برونو مارتینازی

برونو مارتینازی (تورین، ۱۹۲۳)، زرگر و مجسمه‌ساز مشهور بین‌المللی، نماینده یک اندیشه زیبایی‌شناختی و هنری با نقشی ایتالیایی و مدیترانه‌ای است. او یک متفکر، فیلسوف - و هنرمند است که با مفهوم کلاسیک‌گرایی، یعنی کمال و پیچیدگی - اتحاد تاریخ و حال را اجرا می‌کند، اتحادی که در ایده او از انسانیت و انسجام تحقق می‌یابد و به امروز بازمی‌گردد. او که در تورین به دنیا آمده، همیشه در این شهر زندگی و کار کرده است و تقریباً در تمامی رویدادهای ملی و بین‌المللی که در زمینه جواهرات برگزار شده است، شرکت نموده است. او فردی تنهاست که سواد آکادمیک چندانی ندارد، اما آثار قابل توجهی از نسل‌های جدید از خود به جای گذاشته است و تا دهه

۱۹۸۰ در موسسات مختلف و به ویژه در آکادمی هنرهای زیبای آلبرتینا در تورین تدریس کرده است. ما این واقعیت را مدیون هنرمندانی مانند برونو مارتیناتزی هستیم که از دهه ۱۹۶۰ به بعد، جواهرات معاصر در ردیف سایر هنرها مورد استقبال قرار گرفته و در موزه های مهم به نمایش گذاشته شده است، و طراحی جواهرات به طور قطعی در جهت سایر کارهای هنری بوده است. آثار طلایی مارتیناتزی حکایت از جستجوی خستگی ناپذیر او برای زیبایی بی انتها دارد که مشخصه اصلی آنها حقیقت و خرد است. مجسمه های سنگی و مرمری او هرگز به اعتماد عمیق او به پیام ماده خیانت نکردند، و تعادل بین اندازه و بیان، و تعامل بین هماهنگی و قدرت را رها نکردند - گفت وگویی که به طور استعاری در چهره های او "متحجر" شده است. در مرحله بلوغ کار او، بدن انسان به شخصیت اصلی تبدیل می شود، یا بهتر است بگوییم مارتیناتزی با خلق تک تک اعضای بدن، چشم ها، لب ها، انگشتان، ناف، سنجاق ها، حلقه ها، گردنبندها. اعلام می کند: «به نظر من این اثر ارزش اخلاقی دارد، فکر می کنم توسل به «کل» است (می توانم بگویم متعالی است، انگار وجدان من در سرزمین بی کسی قرار گرفته است. بین تجربه تناهی و شهود کلیت [...] من معتقدم که تمرین هنری من در جستجوی اشکالی است که در خدمت امر فوق محسوس است. اثر هنری او که در این صفحه نمایش داده شده است، هم دستبند، هم انگشت طلایی، هم عمل گرفتن، هم چسبیدن و هم نشان دادن جستجوی درونی انسان برای چیزی که فراتر از ماده است را تداعی می کند. جزئیات آناتومیک بزرگ مارتیناتزی، زمانی که پوشیده شد، دیگر شبیه مجسمه های ریز پاپ به نظر نمی رسد، بلکه اشیایی که انرژی را متمرکزمی کنند و معانی اولیه را برمی انگیزند، کانال های ترجیحی برای شناخت خود و دنیای اطراف ایجاد می کنند. شکل (۱۲) تصویری از آثار برونو مارتیناتزی می باشد.



شکل (۱۲) - آثاری از برونو مارتیناتزی (۱۹۵۸-۱۹۹۷). موزه جواهرات، اشتوتگارت، آمولدشه، ۱۹۹۷

۲-۶- شریل ایو آگوستا

شریل ایو آگوستا، متولد پورتوریکو، یک هنرمند مشهور بین المللی است که در حوزه جواهرات و مجسمه سازی فعالیت می کند. او طراح و دیزاینری است که مفهوم جواهرات، پوشاک و تزئینات آدمی را به چالش می کشد. طراحی پرزرق و برق او از جواهرات، ترکیبی است بین اشکال گیاهی و حیوانی، که به نظر می رسد بخشی از همان فردی می شوند است که آنها را پوشیده است و تقریباً به صورت زائده های روی بدن به چشم می خورند. خانم شریل به طور ویژه انواع وسایل جانبی نظیر سنجاق سینه را در طراحی های خود مورد تاکید قرار می دهد، چون خود همیشه برای بستن یا تزئین لباس از سنجاق سینه استفاده می کند. او در طراحی های خود معمولاً سنجاق سینه را واژگون می کند، و آن را به شیئی تبدیل می کند که پوست را زینت می بخشد، به نحوی که انگار با سایه های شاخه ها و گیاهان بر روی بدن می تابد. او مجموعه ای با عنوان "آرمادا" خلق کرده است که نشان می دهد چگونه فاتحان اسپانیایی جزیره پورتوریکو را تصرف کردند و زنان را به بردگی گرفتند.

۳-۶- جرد روتمن

جرد روتمن، زرگر و مجسمه ساز مشهور بین‌المللی است که از سال ۱۹۷۶ همواره به دنبال بیان بی‌واسطه بودن جواهرات از طریق ارتباط نزدیک و تقریباً همزیستی بین شی و پوشنده آن بوده است. جرد روتمن در سطح بین‌المللی در زمینه منحصربه‌فرد بودن جواهری کار کرده که با اثر انگشت خود شخص یا یکی از عزیزانش ساخته می‌شود. به عنوان مثال او با مطالعه بدن انسان در دهه ۱۹۸۰، آثاری نظیر گوشواره خلق کرده که کاملاً با گوش واقعی منطبق می‌شود. حلقه تزئین شده با اثر انگشت از جمله خلاقیت‌های جرد روتمن آلمانی است. او قالب‌های طلایی از قطعات آناتومیکی (بینی، دهان، پاشنه یا انگشتان) درست می‌کند یا به صورت مفهومی با نقش فیزیکی آنها که بر روی فلز گرانبها حک شده است، «بازی» می‌کند. در شکل (۱۳) تصویری از ساخت یک گردنبند طلا با اثر انگشت، اثری از جرد روتمن، مشاهده می‌گردد.



شکل (۱۳) - کاری از جرد روتمن، ساخت یک گردنبند طلا با اثر انگشت

۴-۶- جان ایورسون

جان ایورسون، متولد هامبورگ (آلمان) در اوایل دهه ۱۹۵۰، یک زرگر و هنرمند مشهور بین‌المللی است. در شکل (۱۴) اثری معروف از ایشان به تصویر کشیده شده است.



شکل (۱۴) - اثری معروف از جان ایورسون

۵-۶- کاتلین کاریکابورو

کاتلین کاریکابورو یک زرگر و هنرمند مشهور بین المللی است. او در آثارش از دنیای طبیعت الهام می گیرد. به عنوان مثال، در مجموعه ای با عنوان "آپولو و دافنه" از اسطوره یونانی دافنه الهام گرفته شده است که برای فرار از عشق آپولو، به گیاه لور تبدیل شد. مسخ دافنه در جواهرات نمایان است. در شکل (۱۵) اثری از کاتلین کاریکابورو مشاهده می گردد.



شکل (۱۵) - اثری از کاتلین کاریکابورو، آپولو و دافنه، ۲۰۰۹

۶-۶- نورا روشل

نورا روشل (متولد هیدلبرگ، ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹) یک هنرمند آلمانی است که به عنوان زرگر و طراح جواهرات کار می کند. او آموزش خود را به عنوان زرگر را از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ در دانشگاه فورتهسهایم آلمان (Hochschule Pforzheim) در شهر Pforzheim به پایان رساند. روشل عمدتاً با نقره پتینه شده کار می کند و از نقوش گل استفاده زیادی دارد. جواهرات از کلمه آلمانی "Querbeet" الهام گرفته شده است، در ایتالیایی می توان آن را به عنوان "erhoristeria" ترجمه کرد. در شکل (۱۶) اثری از نورا روشل مشاهده می گردد.



شکل (۱۶) - اثری از نورا روشل

۶-۷- عمق دریا

یک پروژه خلاقانه به منظور ارائه "پایان نامه کارشناسی" با عنوان "اعماق دریا" ارائه شده است و هدف از آن ارائه جواهراتی است با الهام از بستر دریا و موجوداتی که در آنجا سکونت دارند. از جمله موجوداتی که جواهرسازی و طراحی جواهرات بر اساس آنها انجام شده است می‌توان به این موارد اشاره نمود: اسب‌های دریایی، ستاره‌های دریایی و ماهی‌ها به لطف جواهراتی که شکل حرکت مردم در دریا را منعکس می‌کنند، زنده طراحی و ساخته می‌شوند. جواهرات ساخته شده از برنج نشان دهنده مفهوم پوشیدنی و زینت بدن هستند. سپس جواهرات به پروژه‌های معماری تبدیل می‌شوند و بر روی آن یک ارکستراسیون زینتی اجرا می‌گردد و بر روی آن حرکت سینوسی دریا یا ماهی قرار می‌گیرد. مجسمه‌های پوشیدنی و جواهرات همیشه برای ارتباط با حرکات بدن کاربر طراحی شده‌اند. جواهرات اگر در اندام‌ها و مفاصل قرار گیرند، موقعیت خود را در یک ساختار بدن، یا ساختار بدن-محیط پیدا می‌کنند و با اشکال و ریتم‌های آن تطبیق می‌یابند و در نتیجه تبدیل به یک زیور آلی می‌شوند. "عمق دریا" مجموعه جواهراتی است که هدف آن ارائه به بخش رده بالای بازار پوشاک است و با محتوای سبک بالا و محدوده قیمتی مشروط به خاص بودن طراحی شده و با روش کار خاص، کاملاً شخصی سازی شده است. پس از جوشکاری یا لحیم کاری، قطعات در مایعی که مخلوطی از آب و اسید سیتریک است، غوطه‌ور می‌شوند. نسبت مصرف آب و اسید سیتریک، یک به شش است، یعنی یک قسمت اسید و شش قسمت آب. ترکیب آب و اسید سیتریک به منظور صیقل دادن قطعه‌ای استفاده می‌شود که در حین جوشکاری تیره شده است. مرحله بعدی شامل پر کردن قطعات ناهموار و حذف تمام برجستگی‌هایی است که از شکل بیرون زده‌اند. پس از آن، عیوب، خراش‌ها و لکه‌های باقیمانده با پولیشی به نام «مازنا» زدوده می‌شود. مازنا یک برس مکانیکی چرخشی است که با ظرافت از روی سطح قطعه ماشین کاری شده عبور داده می‌شود. آخرین مرحله پردازش شامل پولیش نهایی است که با یک برس کرکی انجام می‌شود. این برس بر روی دستگاه مخصوصی نصب می‌شود و همراه با ماده‌ای به نام «دیالوکس روژ» که شبیه صابون است، روی قطعه رد می‌شود تا پولیش کامل شود (Le Van, 2011).

۷- نتیجه‌گیری

به طور کلی، به موضوع طلا، جواهر و زیورآلات نسبت به دیگر گرایش‌های هنر ایران کمتر توجه شده است و کتاب‌ها و مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها در این باره، بسیار محدود هستند. از این رو؛ مقاله‌ای حاضر به بررسی طبیعت و تأثیر آن بر روی جواهر پرداخته است. با توجه به مرور مباحث موجود می‌توان اینگونه اظهار نمود؛ طلا و جواهرسازی صنعت هنری است که از قدیم الایام همواره مورد توجه و حمایت حکومت‌ها، پادشاهان، فاتحان و سرمداران دولت‌ها بوده است. تأثیرات این توجه ویژه و ماهیت قیمتی بودن این نوع از هنر، این مقوله را به سوی پیشرفت‌های چشمگیر سوق داده است. استفاده از طلا و جواهرات به اندازه تاریخ بشر قدمت دارد. در ابتدا، زیورآلات نزد انسان‌ها جنبه حفاظتی در برابر نیروهای شرّ و بیماری‌ها را داشته و پس از آن، زیورآلات را به عنوان یکی از کهن‌ترین اشکال هنر تزئینی می‌توان پاسخی به نیاز عمیق انسان به تزئین خود دانست.

فلزات و سنگ‌های قیمتی از دیرباز در دسته‌ای ماهر بشر به شکل‌های تزئینی و هنری در آمده است؛ تا به عنوان زیور شخصی در راه نمایش مقام و موقعیت اجتماعی و یا در جهت درمان جسم و روح در مراسم آیینی، به کار برده شود. انسان‌های نخستین، انواع صدف‌ها را با الیاف نباتی رشته کرده و به گردنشان می‌آویختند. آنان قاب و مهره‌های استخوانی و گوش‌ماهی را با مختصر تغییر به صورت زیور آلات در آورده و مورد استفاده قرار می‌دادند. به عبارتی دیگر؛ انسان‌های اولیه از اشیاء ساده‌ای که در طبیعت وجود داشته است؛ مانند دانه‌ها، انواع توت‌ها و صدف‌ها به عنوان زینت استفاده می‌کردند. شکارچیان در مناطق مختلف اروپا آویزهای ساخته شده از استخوان و دندان حیوانات را به عنوان زیورآلات بر بدن خود آویزان می‌کردند یا می‌پوشیدند و گاهی هم از این آویزها به عنوان طلسم برای کمک به شکار و البته برای تزئینات استفاده می‌شد. با توسعه توانایی حکاکی و تراش سنگ، انواع زیور آلات نیز گسترش یافت به طوری که گسترده‌ترین کشفیات باستان‌شناسان از دوران قدیم و اغلب آثار باستانی یافت شده در حفاری‌های مختلف از سکونتگاه‌های ابتدایی، مهره، دانه یا چیزهایی شبیه به اینها بوده است که انسان‌های آن دوران به عنوان زیور استفاده می‌کرده‌اند. نقطه عطف واقعی در صنعت زیورآلات را می‌توان پیشرفت بشر و کشف

فلزات نامید. فلز اصلی که در دوران باستان برای جواهرات استفاده می شد، طلا بود که به دلیل کمیاب بودن، درخشش و رنگ زیبا و از همه مهتر، ضد زنگ بودن آن، از آن به عنوان فلز خدای خورشید یاد می شد و انسانها برای آن ارزش زیادی قائل بودند. در اواسط قرن بیستم، به ارزش زرگران و طلاکاران پی برده شده است و مردم متوجه شده اند که ارزش زرگر به مراتب بالاتر از خود طلا یا سایر اشیای قیمتی است، چرا که این زرگر و طلاکار است که نظم چیزها را وارونه می کند و با ابتکار خود قادر است چیزهای بسیاری خلق نماید. این پدیده زمانی اتفاق می افتد که یک هنرمند جواهر و زیور را خلق می کند.

منابع

- جعفری، سمانه (۱۳۹۷). تاثیر جواهرات بر سلامت انسان، دومین کنفرانس بین المللی گیاهان دارویی، کشاورزی ارگانیک، مواد طبیعی و دارویی، مشهد
- شکوهی، الهام و جعفری، اسما (۱۴۰۲). بررسی نقوش در جواهر و زیورآلات ساسانی جهت بکارگیری در طراحی مانتو و اکسسوری بانوان با اجرای تکنیک جواهردوزی، دومین کنفرانس ملی پوشاک، طراحی پارچه و لباس، شیراز
- مزنکی، جواد (۱۴۰۰). مروری بر وضعیت طراحی و ساخت زیورآلات معاصر ایران (پنجاه سال اخیر)، چهارمین کنفرانس بین المللی و پنجمین کنفرانس ملی عمران، معماری، هنر و طراحی شهری، تبریز
- میرجعفری، حسین و سیدبنکدار، سیدمسعود. (۱۳۸۷). زرگری و جواهرسازی در عصر صفوی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان (مطالعات و پژوهش های دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، ۲(۵۳)، ۱-۱۶.
- نقی پور، پیمان و شکویی زاده، الناز (۱۴۰۱). ایده پردازی و طراحی مفهومی در زیورآلات و جواهرات معمارانه (مطالعه موردی: دوره ساسانی، هخامنشی، اشکانی)، هشتمین کنگره سالانه بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران
- Alexander, S. M (1980). The influence of Achaemenian Persia on the Jewelry of the Migrations Period in Europe, California
- Eichhorn-Johanssen, M., & Rasche, A. (2015). 25,000 Years of Jewelry, Monaco, Prestal
- Le Van, M (2011). 500 Silver Jewelry Designs: The Powerful Allure of a Precious Metal, Lark Books
- Phillips, C (2003). Gioielli. Breve storia dall'antichità a oggi, Rizzoli
- Piscitelli, T (2014). Il Gioiello, Tra Arte, Moda E Cultura, Florestano Editore
- Pourjavady, N (2001). The Splendour of Iran, Booth-Clibborn Editions